

پرده قرمهای

«قهرمان» نامزد اولیه اسکار ۲۰۲۲ شد



«قهرمان» آخرین ساخته اصغر فرهادی، امروز به عنوان یکی از ۱۵ فیلم راه یافته به شورت لیست فیلم‌های خارجی معرفی شد و یک قدم به نامزدی اسکار نزدیکتر شد.

سینمادبلی: شورت لیست‌های اسکار در رشته مختلف معرفی می‌شوند تا انتخاب راز میان تعداد بالایی گزینه به تعداد کمتری برسانند و در بخش‌هایی مثل موسیقی، فیلم کوتاه، جلوه‌های ویژه، مستند و فیلم بین‌المللی اعلام می‌شوند.

بنا به اعلام آکادمی اسکار «قهرمان» و ۱۴ فیلم دیگر به مرحله بعدی راه پیدا کرده‌اند و اعضای آکادمی برای انتخاب نامزدها این ۱۵ فیلم را مورد بررسی قرار خواهد داد. نکته عجیب عدم حضور «تیتان» نماینده فرانسه و برنده نخل طلای امسال در این لیست است. اما رقبا اصلی فرهادی یعنی «دست خدا» از ایتالیا، «ماشین من رابران» از ژاپن، «کوپه شماره شش» از فلاند و «بدترین آدم دنیا» از نروژ در این لیست حضور دارند.

در سایر شورت لیست‌ها هم که بیشتر در بخش‌های فنی هستند، آخرین فیلم جیمز باند «زمانی برای مردن نیست» و «تلماسه» فعالترین حضور را دارند و به نظر می‌آید که بخشی از اسکارهای فنی بین این دو فیلم تقسیم خواهد شد.

تجسمی

نمایش ۳۰ مجسمه از ۳۰ مجسمه ساز

گالری آرت بییشن از جمعه سوم دی ماه، میزبان سومین رویداد هنری «سی مجسمه، سی مجسمه ساز» به کیورتوری (نمایشگاه گردانی) قدرت‌الله عاقلی خواهد بود. به گزارش ایسنا، نخستین دوره رویداد «سی مجسمه، سی مجسمه ساز» با کیورتوری قدرت‌الله عاقلی در آذر سال ۱۳۹۵ در گالری ایران شهر برگزار شد. هدف از برگزاری این نمایشگاه مرور مجسمه‌سازی ایران از طریق نمایش آثار سی هنرمند مجسمه‌ساز از سه نسل مختلف بوده است. گالری ایران شهر در آذر سال ۱۳۹۶ دوباره میزبان دومین دوره «سی مجسمه، سی مجسمه ساز» شد. در این نمایشگاه هم سی اثر از مجسمه‌سازان مختلف و از نسل‌های مختلف در معرض تماشای عموم قرار گرفت. در سومین دوره «سی مجسمه، سی مجسمه ساز» آثاری از این هنرمندان در گالری آرت بییشن به نمایش در خواهد آمد: پرویز تناولی، چنگیز شهوق، زاره تباتبایی، بهروز حشمت، شجاءالدین شهبانی، امیرضا یار احمدی، بهروز دارش، فاطمه امدادبان، مهدی سبحانی، جمشید مرادبان، کوروش گلناری، بیبا فیاضی، امیر معبد، رضا لولاسانی، عباس مجیدی، کیوان پور نصیرزاد، محمد رضا خلجی، قدرت‌الله عاقلی، عبدالناصر گیو، گللی توکلی، حمیدرضا فتوحی، کیوان بیرواند، محسن غلامی، فرزانه حسینی، محمد مروستی، روزبه نعمتی شریف، اعظم حاتم، آوا طباطبایی، مرتضی شعبانی، رضاصندانیان. این گروه از مجسمه‌سازان با آثار خود به روایت‌هایی از اجتماع و گذشته تاریخی می‌پردازند که با الگوها و قالب‌های این سرزمین همخوانی دارد و با مصادیق زمان و مکان هم عرض است. سومین رویداد «سی مجسمه، سی مجسمه ساز» از سوم دی ماه در گالری آرت بییشن آغاز و تا ۱۳ دی ماه ادامه خواهد داشت.

درباره نمایش «فرودگاه»، پرواز شماره ۷۰۷ از باب ملالت میانسالی



احسان زبور عالم

سلیمانی نزدیکی دارد - در دو اثر و در دو نقش اصلی، انگار از یک دنیای درونی خبر می‌دهد. دنیایی که در آن ترس از ملال مؤلف راز می‌دهد.

نمایش برآمده از متن احمدرضا احمدی است، نمایشنامه‌هایی که پنج سال پیش منتشر می‌شود و در این گذار چندین مورد توجه کارگردان قرار نمی‌گیرد. به شخصه متون دراماتیک احمدی را نخوانده‌ام. نمی‌دانم متن او به چه نحوی نگاشته شده یا آنکه در چه شرایطی روی کاغذ آمده‌است. اما آنچه سلیمانی روی صحنه برده نشان می‌دهد احمدی نیز به ملالت میانسالی فکر کرده است. بدن جوانی که در حال اضمحلال است و شاید عشق‌هایی که دیگر هیچگاه بازبایی نمی‌شود. مردی ایستاده در آستانه پیری میان گذشته و آینده معلق می‌ماند و خیالش او را از می‌دهد. او کوله‌باری از

فراز و نشیب‌های زندگی را در گذشته جا گذاشته‌است این وضعیت عمومی ماست، گویی هر چه سوسوی پیری سوق می‌یابیم، تعلقاتمان به زمان و مکان کمتر می‌شود. بسته می‌شویم به چیزی که ساختیم و محافظه کارانه ول کن ماجرا نیستیم. تلاشی است صرفاً برای بقا.

متن احمدی چنین فضایی دارد. مرد شاعر میانسال، ملول از گذشته‌از دست‌رفته، عشقی از کفر فته، مجبور است چار دیواری ساخته شده از شعرش را هاسازد نه به میل و اراده که به اجبار صدا بی‌نادی. او به سفر در طول گذشته سوق می‌یابد و با همان بدوشامبر طباقیش، به نقطه گسست خویش می‌رسد، جایی که عشق جوان و زیبایش، سوار بر پرواز ۷۰۷ او را راه می‌کند. همه چیز شاعرانه طی می‌شود. شاعر با شعری از گذشته به حال خویش بازمی‌گردد و این

در چنین دنیایی که زبایی نایاب می‌شود، ملال انگیز بودن امری است قابل درک و هضم. شاید لازم باشد هر از گاهی ریاضت ملال را تجربه کنیم؛ چرا که ملال همواره در کمین ماست

پایانی است بر تقارن برای گریز از ملال. ملال گویی سمی است برای کشتن آدمی. نمایش از همین رو دو وجه می‌یابد. هم ملال انگیز است و هم سیال. در مقام مخاطب خستگی فضا جهان خاکستری و رکود نشسته در وجود شخصیت هم چون لحاظ در دل‌های سه خواهر چخوف، مملو از ایستایی و دلگیری است. فضای

شاعرانه و اندکی مایخولیایی اثر، گویی دیازبایی است دیدنی که در شریبان مخاطب جاری و ساری می‌شود و به او امر می‌کند «جم مخور»، او کرخت و بی‌حس از دیدن دنیای مرد شاعر، شاید خیال می‌کند ملالت میانسالی چه بر سرش خواهد آورد. آیا او هم در آستانه کنده شده از آن بدن پابر جا و لحظه شماری برای افول، یاد می‌کند از نکرده‌ها و کرده‌های جوانی، از عشق‌های غیر قابل بازیابی یا ناخستن نزد عشق‌های نا کرده؟ هر چند بر خلاف موج مخاطبان جوان، «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷» میان میانسالان نیز هوادار دارد. مخاطب میانسال خود را در میانه نمایش می‌بیند. همه آن خیالی‌های منفی، بی‌معنی و آزار دهنده. گاهی اوقات پدر مرا می‌بینم بازند در میان خاطرات چیزهایی که امکان بازگرداندنش نیست و او مدام در میان سفر می‌کند و آسیب می‌بیند. همین جاست که دومین وجه نمایش عیان می‌شود.

صحنه سیال و پویا است. همه چیز از یک سمت آغاز می‌شود و چون سفری در طول زمان و مکان، به سمت دیگر صحنه ختم می‌شود. از یادآوری یک گسست عشقی تا یاز آفرینی همان گسست عشقی، جایی که با خود خیال می‌کنی چه شد که چنین شدد و حال در زمان پلکیند بر می‌گزینی تا به یادآوری چه شد. تلاشی برای شکست دادن زوال عقل، همپای درناک زوال تن. صحنه تنها جایی است که مخاطب را به حرکت وامی‌دارد و اما آنجا هم تله‌ای است از تکرار، تکراری که قرار است با ملال انگیز شود. همه جا صندلی است صندلی‌هایی شبیه به هم که گویی دلالت دارد بر تغییر ناپذیر بودن آدم میانسال. همان که به کنایه «چاقفاده» خطابش می‌کنند. او حالا همان چیزی است که زمان بر او تحمیلش کرده و زمان جبار رخصت بازگشتی به او نمی‌دهد. همه چیز با نوعی پشیمانی همراه است و پشیمانی محصول ملال است. نمایش خسته کننده است؛ اما مگر

زندگی در چنین ابعاد سرزندگی عطا می‌کند؟! پس از سپهری کردن دنیای کرونا، آن هم با اما و اگرها، شاید «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷» کمی نامحسوس به نظر آید. جهان کم‌دی این شب‌ها محبوب تر است، شاید برای فرار از همه ملال‌های بیرون از جهان نمایش. اما «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷» بی‌شک اثری است شخصی. اشارتی است به کوروش سلیمانی و ذهنش. درگیری‌هایی که نه در جوانی که این روزها به ذهنش خطور می‌کند. نمایش واکنشی است به زیست هنرمند و حتی احساس نزدیکی به خالق اولیه اثر. متنی که به نظر چندان هم دراماتیک نمی‌آید. شعری است در میان خطوط نمایشنامه جایی در پایان اجزای احمدی طنین انداز می‌شود که چند خط آخر متن را می‌خواند. به کلامی مبتنی بر گفتگو یا حتی تک‌گویی نمی‌ماند. شعری است درباره غلبان‌ت درونی، درباره گسست هنرمند نسبت به ساخته‌هایش یارها کرده‌هایش.

اگر نگاهی به این تریلوژی میانسالی سلیمانی بیندازیم به نظر او تلخ تر و تلخ تر شده است. شاید نمایش او بیش از هر نمایش امروز باز نمایی و جوه بخش مهمی از جامعه باشد. آدم‌هایی که اساساً نامشان «آن‌آور خانواده» است و در میانسالی خویش به سر می‌برند. دنیای بیرون زیبا نیست و پس بعد نیست دنیای درون مرد یا زن میانسال فاقد زبایی باشد. او فریاد می‌زند، تلاش می‌کند، قربانی می‌شود؛ اما نتیجه نمی‌گیرد. او دچار گسست شده است میان آنچه می‌خواست باشد و چیزی که اکنون است. او احساس شکست می‌کند، همانند شخصیت‌های نمایش «فرودگاه، پرواز شماره ۷۰۷». در چنین دنیایی که زبایی نایاب می‌شود، ملال انگیز بودن امری است قابل درک و هضم. شاید لازم باشد هر از گاهی ریاضت ملال را تجربه کنیم؛ چرا که ملال همواره در کمین ماست.

خبر

هشدار درباره یک فاجعه؛

کاخ سعدآباد در معرض خطر انفجار قرار دارد!

مجموعه کاخ سعدآباد به دلیل داشتن لوله‌های گاز فرسوده در معرض خطر انفجار قرار دارد. این اتفاقی است که رئیس سابق کاخ در مراسم تودیع خود نسبت به آن هشدار جدی داد.

به گزارش مهر، چند روز پیش با معرفی رئیس جدید کاخ سعدآباد در تهران، مراسمی برای تودیع رئیس پیشین با حضور کارکنان کاخ و معاون میراث فرهنگی کشور برگزار شد.

در این مراسم کیا پارسا به نکاتی از حضور ۵۰ ماهه خود در این کاخ و مشکلاتی که با آنها روبرو بوده است پرداخت. نکاتی که به رغم پیگیری‌های چند ساله و نتیجه‌ای نداد.

او این مشکلات را در حضور وحید رحمتی، مدیر جدید کاخ مطرح کرد. با این هدف که شاید او بتواند در دوره جدید مدیریت وزارتخانه، پیگیر این مسائل شود.

مهمتر اینکه اعضای جدید شورای راهبردی کاخ سعدآباد چند روز پیش معرفی شده و این شورا تشکیل شده که یکی از وظایف آنها اعتلای عملکرد موزه بر پایه خود جمع‌ای است.

پارسا در طول زمان مدیریتش در این کاخ و در سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ حدود ۱۱ نامه به وزارت میراث فرهنگی، شهرداری و نهادهای دیگر درباره موضوعات مرتبط با آب و برق و گاز این مجموعه تاریخی نوشت و هشدار داد.

یکی از این نامه‌ها خطاب به سازمان آتش نشانی و به جهت درخواست استقرار پایگاه آتش نشانی در مجموعه سعدآباد بود اما چون در پاسخ به این نامه‌ها جوابی نگرفت در مراسم تودیع خود سرفصل‌هایی از آن را در حضور متولیان جدید کاخ توضیح داد.

لوله‌های پوسیده کاخ گاز متعلق به قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی است و در این مدت بازسازی مهمی برای آنها صورت نگرفته است.

یکی از مواردی که او ذکر کرده بود، هشدار درباره یک انفجار بزرگ در کاخ سعدآباد است. انفجاری که می‌تواند در پی آتش سوزی لوله‌های گاز فرسوده بوجود آید.

لوله‌های پوسیده گاز این کاخ متعلق به قبل



این مجموعه می‌تواند به سرعت به تمام جنگل سرایت کند.

حفاظت کاتدیک چیست؟
حفاظت کاتدیک (CP) تکنیکی است که برای کنترل خوردگی سطح فلز با ایجاد کاتد از سلول الکتروشیمیایی استفاده می‌شود. یک روش ساده برای حفاظت فلز از خوردگی و زنگ زدگی و تبدیل به آن‌دست. سیستم‌های حفاظت کاتدیک طیف گسترده‌ای از سازه‌های فلزی را در محیط‌های مختلف محافظت می‌کنند. حفاظت کاتدیک در بعضی موارد می‌تواند از تر خوردگی جلوگیری کند.

پنجمین دوره جایزه «ارغوان» فراخوان داد

هیات داوران مهمان بخش برنده‌برندگان (بر اساس حروف الفبا) نیز ابوتراب خسروی و مژده دقیقی هستند. مهلت ارسال آثار همچون دوره‌های گذشته از اول دی ۱۴۰۰ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۱ خواهد بود. شرایط سنی شرکت در مسابقه حداکثر ۳۰ سال است و مراسم اختتامیه با معرفی برگزیدگان خرداد ماه ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد. تمامی شرکت کنندگان می‌توانند مراحل کار را از طریق وبسایت جایزه ی «ارغوان» به نشانی www.jayezeharghavan.ir پیگیری کنند.

فراخوان پنجمین دوره جایزه ادبی «ارغوان» با اضافه شدن یک بخش جدید و با موضوع «دروغ» منتشر شد. به گزارش ایلنا، این دوره از جایزه در دو بخش اصلی (ویژه داستان‌نویسانی که تاکنون کتابی منتشر نکرده‌اند) و برنده برندگان (ویژه برگزیدگان چهار دوره قبلی این جایزه) برگزار خواهد شد. این جایزه ادبی به کوشش موسسه «ارغوان هفت رنگ»

